

امام حسین(ع) در نگاه اندیشمندان غربی

خاورشناسان بزرگ غربی، هر يك با نگاهی که به تاریخ اسلامی داشته‌اند...



جام جم آنلاین: خاورشناسان بزرگ غربی، هر يك با نگاهی که به تاریخ اسلامی داشته‌اند، توفیقی در برابر حادثه عاشورا کرده‌اند. برخی که دل به دست حقیقت داده‌اند، چنان عاشقانه نگاشته‌اند که گویی خود را در صف یاران حسین(ع) می‌بینند، برخی دیگر فقط نظاره‌گرند و راوی... نوادری هم روایت می‌کنند، اما روایتشان صادق نیست. با این حال تحقیق در این حیطه می‌تواند ما را به متون بسیاری راهنمایی کند و انواع برداشت‌های محققان بیرونی را از این قضیه برایمان تبیین کند.

نه تنها در گذشته دور بلکه امروزه هم تحقیقات قابل توجهی درباره امام حسین(ع) و سنت عاشورایی در سراسر جهان شکل می‌گیرد و بر ماست که شکل این تحقیقات و نوشتارها را از حالت آن خاورشناسی‌های غربیانه به حقیقت‌شناسی‌های مشتاقانه بدل کنیم. در زیر چند نمونه از این دست را می‌خوانید:

ویلیام چیتیک (استاد ادیان دانشگاه استونی بروک آمریکا):

اگر حسین(ع) نمونه‌ای است شایسته تقلید، نه به این جهت است که به دست تبهکاران بدگهر کشته شد، این از بدیهیات است. آنچه برامتی درباره زندگی او شایسته ذکر است پیروزی اوست در جهاد اکبر. فقط به برکت عظمت معنوی اوست که وقایع منجر به شهادت جسمانی‌اش معنی می‌یابد. پس تقلید از آن حضرت یعنی تکلیف بر پیروانش که به جهاد اکبر برخیزند. از این جهت است که مولوی، امام حسین(ع) را پیروز میدان مبارزه با نفس می‌داند و از پیروان او می‌خواهد تا ایشان نیز در میدان مبارزه با نفس پیروز شوند. چه پیروزی در این میدان، مهم‌تر از پیروزی در سایر میادین است. چنین فردی شایستگی آن را دارد که پیش معشوق رود و با او یکی شود:

مشین اینجا تو با اندیشه خویش

اگر مردی برو آنجا که یار است

... شنیدی طبل، برکش زود شمشیر

که جان تو غلاف ذوالفقار است

بزن شمشیر و ملک عشق بستان

که ملک عشق ملک پایدار است

از نظر مولوی، حسین(ع) کسی است که بر اثر مجاهدت با نفس و شفقت بر خلق توانست وارد میدان بعدی شود و عشق الهی را در وجود شعله‌ور سازد:

حسین کربلایی آب بگذار

که آب امروز تیغ آبدار است

اما برای ستاندن ملک عشق، انسان باید نخست درد رنج عشق و عاشقی و رنج معشوق را بر دل کشد. زیرا هر چه به معنای هدف خودش وقوف پیدا کند به شدت ناتوانی خود بیشتر پی می‌برد بلکه هر اندازه نسبت به عظمت معشوق آگاهی بیشتری بیابد درد و رنج بیشتری را احساس می‌کند:

هر که او بیدارتر پردردتر

هر که او آگاه‌تر رخ‌زردتر

با این وصف دردی که عاشق می‌کشد همیشه او را به سوی معشوق می‌کشد و سرانجام درد و رنج عشق به مرگ نفس و تولد در حق منتهی می‌شود. در واقع عاشق در این حالت نفس یزید خودش را به پای حقیقت حسینی‌اش قربانی می‌کند:

... ای غم بکش مرا که حسینم، تویی یزید

این نکته روشن می‌کند که حسین(ع) به قدری برای مولوی مهم است که او را نماد عشق‌ورزی می‌داند و راه سلوک را جز از طریق طی کردن مسیر عشق که مسیر حسین(ع) است، میسر نمی‌داند:

مرتضای عشق! شمس‌الدین تبریزی ببین

چون حسینم خون خود در زهر کش همچون حسن

اگر حسین(ع) عاشق خداست، خدا نیز عاشق حسین است. از این نظر حسین عاشق می‌خواهد در راه و به اراده خدای معشوق خودش ریخته شود تا نزد معشوق پذیرفته‌تر حاضر شود:

هر که آتش من دارد، او خرقه ز من دارد

زخمی چو حسین‌اش یا جامی چو حسن دارد

مولوی نفس رحمانی را به حسین(ع) تشبیه می‌کند که باید از فرات معنویت تا می‌تواند سیراب شود و لحظه‌ای را از دست ندهد. از این جهت سالکان طریقت باید در طریق خویش حسین‌وار عمل کنند و همانند او به شهادت برسند:

حشرگاه هر حسینی گر کنون

کربلایی کربلایی کربلا

مشک را بر بند ای جان گر چه تو

خوش سقایی خوش سقایی خوش سقا

(مقاله با عنوان امام حسین در نگاه مولوی، ترجمه حسن لاهوتی)

رونالد نیکلسون (استاد زبان عربی دانشگاه کمبریج در نیمه اول قرن بیستم):

... حسین به زمین می‌افتد، گلویش با خنجر شکافته می‌شود، تمام یاران شجاعش نیز تا آخرین نفر به شهادت می‌رسند، سنت محمدی که با استثناهای نادری، خصم خاندان امیه است، حسین را شهید و یزید را قاتل او می‌داند. (تاریخ اعراب، کمبریج 1930)

ایگنار گلدزیهر (شرق شناس مشهور مجارستانی اوایل قرن بیستم):

روز سیاه کربلا، تاریخ این خانواده همواره مملو از رنج‌ها و مظلومیت‌ها بوده است. آن احوال در نظم و نثری غنی به شکل شهادتنامه روایت شده است و در سنت شیعی 10 روز نخست محرم در سوگواری کربلا می‌گذرد. میدان آن مصیبت تاریخی، امروزه به شکل تعزیه بازسازی می‌شود. گریه بر شهیدان و لعن بر ظالمان فضا را در خود می‌برد. (مقدمه بر فقه و کلام اسلامی، پرینستون 1981)